

با مردم

شترتولفی ازتایلند باخوشانگهان •۲۰۲۳۰۲۳۳۳۷

چرا بانک‌ها ارز اربعین را زودتر نمی‌دهند

در خبرها آمده که فروش ارز اربعین در بانک‌ها و صرافی‌ها شروع شده و بانک‌های منتخب عامل فروش هستند اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاده و بانک‌ها اقدام به فروش نکرده‌اند. اگر فروش ارز اربعین دیرتر از این صورت گیرد قطعاً تریافیک خریدار و بازار سنسایه به‌وجود می‌آید. پس برای جلوگیری از سوء استفاده سودجویان بهتر است کار به روزهای آخر محول نشود.

ایوبی از تهران

وضعیت آب شهرستان خدابنده دست کمی از همدان ندارد درحالی که قرار است کسری آب همدان از سد تالوار شهرستان خدابنده جبران شود، وضعیت آب شهرستان خدابنده دست کمی از همدان ندارد. در ادوار گذشته مجوزهای انتقال آب از سد تالوار به شهرستان خدابنده در استان زنجان اخذ شده است اما این طرح هنوز بعد از سال‌ها به مرحله اجرا نرسیده است ولی بلافاصله بعد از بروز چالش آب در همدان، با توجه به شرایط و تنگنای آبی، این استان در اولویت برداشت آب از سد تالوار قرار گرفت درحالی که هنوز مردم خود شهر و استان از آن منتفع نشده‌اند.
قهرمانی از خدابنده زنجان

کیفیت آرد نانوائی‌ها کاهش یافته است

به‌عنوان کسی که ۲۱سال است در نانوائی کار می‌کنم از کیفیت آردهای عرضه شده همدانمندانم. واقعا ما نمی‌دانیم چه وقت و چگونه از د ر خمیر کیمیا تا نان مطلوبی به دست آید؛ از یک طرف هم مستکری مدام به کیفیت نان ایراد می‌گیرد و توقع نان مرغوب دارد. جدای این مبحث سلامت شهروندان هم مهم است که نان کیمیی می‌تواند بخشی از آن را پوشش دهد.

شاطر رضا ز مشهد

به‌عنوان کسی که ۲۱سال است در نانوائی کار می‌کنم از کیفیت آردهای عرضه شده همدانمندانم. واقعا ما نمی‌دانیم چه وقت و چگونه از د ر خمیر کیمیا تا نان مطلوبی به دست آید؛ از یک طرف هم مستکری مدام به کیفیت نان ایراد می‌گیرد و توقع نان مرغوب دارد. جدای این مبحث سلامت شهروندان هم مهم است که نان کیمیی می‌تواند بخشی از آن را پوشش دهد.

پیامک
ارز پیام کوتاه خوشانگهان •۲۰۲۳۰۲۳۹۱۶
داروی voxzogo با قیمت دولتی وارد شود فرزندم بیماری آکتدور پلازی دارد و جز داروی voxzogo یا زون دو در مان دیگری برای او متصور نیستم، حالا تصور کنید این دارو که در اغلب کشورهای به‌صورت رایگان در اختیار بیماران قران می‌گیرد در ایران اصلا نیست یا در بازار آزاد با قیمت‌های چندصبرابری عرضه می‌شود؛ تازه اگر تقلبی در کار نباشد و تاریخ مصرف دارو نگذشته باشد. لطفا مسئولان به فکر بیماران خاص به‌خصوص آکتدور پلازی‌ها باشند و اجازه دهند زجر بکشند.
وردی‌زاده از بروجرد

نرخ‌های متفاوت دلار عامل سودجویی

اینکه چندین مدل نرخ برای دلار هست فرصت‌سازی برای سودجویان است. هم‌اکنون دلار به نرخ نیما، نرخ سنا، نرخ صرافی ملی، نرخ بازار متشکل ارزی، نرخ بازار آزاد، نرخ توافقی، نرخ کاسپیر و… وجود دارد؛ درحالی‌که می‌توان اینها را یک‌تاسع کرد و جلوی سودجویی‌ها را گرفت.

مدنی از تهران

نظارتی بر تکریم از اباب رجوع در مطب‌های پزشکی نیست متأسفانه در مطب بعضی از پزشکان شأن انسانی رعایت نمی‌شود و نظارتی بر تکریم از اباب رجوع صورت نمی‌گیرد. شما کمتر پزشکی را می‌بینید که مطابق ساعت اعلام شده برای حضور بیمار در مطب عمل کند و اغلب بیماران ساعت‌های متعددی حتی سرپا در مطب حضور دارند و اگر اعتراض کنند با آنها برخورد نامناسبی می‌شود.
یونس از تهران

سیدان از تهران

سطل‌های زباله میدان هروی نیازمند شست‌وشوست سطل‌های زباله در میدان هروی بوی تعفن می‌دهند و زیر شمشادها و درختان کنار جوی پر از زباله است. چندبار اطلاع داده‌ام ولی اقدامی نشده است.

پیام
تنگرام مردم hamshahri_bamardom@

فرهنگیان مهر آفرین را در یادید

سال ۱۳۸۲ به دستور رئیس جمهور وقت حدود ۷۰هزار نفر به‌صورت حق‌التدریس به استخدام آموزش و پرورش درآمدند که در سال ۱۳۹۰ این وضعیت به پیمانکاری تبدیل شد. به تازگی رتبه‌بندی جدیدی برای فرهنگیان اعمال شده و مبلغی حدود ۱۱میلیون تومان به‌عنوان علی‌الحساب برایشان واریز شده که هیچ‌کدام از این موارد شامل حال ما نشده است. چون به‌گفته آقایان ما مهر آفرین هستیم و می‌بایست برای استخدام دوباره، آزمون ورودی بدهیم. این موضوع در حق افرادی که سال‌ها صادقانه برای آینده‌سازان کشور زحمت کشیده‌اند اجحاف است. از مسئولان خواهیم‌دیدم تا عدالت را برای ما ۷۰هزار نفر اجرا کنند.

محسنی از اهواز

بلواهای شهرک اندیشه شهریار تاریک است از اداره برق منطقه اندیشه شهریار درخواست داریم نسبت به تأمین روشنایی در بلوار ولایت، بلوار گل‌های غربی در فاز ۴ اندیشه و بلوار امیر کبیر در انتهای فاز ۵ اندیشه شهریار اقدام کنند. شب‌ها این مسیر تاریک است و برای رهگذران خطراتی به‌دنبال دارد.

شهریاری از اندیشه

فاز ۱۱ پردیس، نانوائی ندارد به‌تازگی آپارتمانی را در فاز ۱۱ پردیس خریدم و در این شهرک ساکن شده‌ام. متأسفانه اینجا نانوائی وجود ندارد و ما برای تهیه نان ناچاریم کلی پیاده‌روی کنیم. نان قوت غالب مردم است و وجود نانوائی در هر محله‌ای ضروری است.
سلطانیه از پردیس

حوادث

دعوی سارقان بر سر تقسیم اموال مسروقه، کار دستشان داد

دختر شجاع، اسرار باند سرقت را فاش کرد



وقتی اعضای یک باند سرقت بر سر تقسیم اموال مسروقه بحث‌شان شد، خبر نداشتند که دختری به‌صورت اتفاقی حرف‌های آنها را شنیده است. این دختر شجاع با یادداشت‌کردن شماره پلاک خودروی سارقان و تماس با پلیس کاری کرد که همه اعضای باند سرقت، در دام مأموران گرفتار شوند.

به گزارش همشهری، از مدتی قبل گزارش سرسرت‌های سریالی به پلیس پایتخت اعلام شد که نشان می‌داد اعضای یک گروه با پوشاندن صورت‌های خود و با تخریب قفل در خانه‌ها، وارد آنجا شده و دست به سرقت دلار، ری و طلا می‌زنند.

یکی از مالباخته‌ها که در غیاب او دزدان به خانه‌اش دست‌برد زده بودند، تاجری ثروتمند بود که می‌گفت: دزدان با تخریب در به خانه‌ام دست‌برد زده و چند سکه طلا دلار و پول نقد سرقت کرده و متواری شده‌اند. من در خانه‌ام لوازم آنتیک، گوشی موبایل، تیلیت و لپ‌تاپ، تابلوفرش و لوازم قیمتی دیگر داشتم اما دزدان فقط پول، طلا و ارز سرقت کرده بودند. درحالی‌که تعداد شاکیان این پرونده در حال افزایش بود، مأموران پلیس با دستور آقای تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادرسی جنایی تهران به تلاش برای یافتن ردی از سارقان ادامه می‌دادند تا اینکه اتفاق عجیبی رخ داد.

تماس دختر شجاع با پلیس

چند روز پیش دختر جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت: «خودروی پرایدی با شماره پلاک… در خیابان… پارک است و سر نشینان آن ظاهر اذنه هستند و بر سر تقسیم اموال مسروقه با یکدیگر درگیر شده‌اند.»

او سپس شماره پلاک ماشین را اعلام کرد و توضیح داد: در حال گذر از خیابان بودم که متوجه شدم سر نشینان خودروی پرایدی را بهم در حال بحث و جدل هستند. یکی از آنها با فرادی گفت که می‌خواهد هر چه می‌دزد مال خودش باشد و دیگر حاضر نیست از سهم‌اش پولی به افراد نیازمند بدهد. دیگری اما می‌گفت که باید بخشی از پول‌های دزدی را به افراد نیازمند بدهند و از اول قرارشان همین بوده است.

دزد جوان ادامه داد: از حرف‌هایشان متوجه شدم که آنها سارق هستند و خانه‌های مردم را خالی می‌کنند. به بهانه اینکه منتظر کسی هستم به ماشین آنها نزدیک شدم و همانجا پیس‌دام تا بیشتر به حرف‌هایشان گوش‌کنم. وقتی مطمئن شدم که همه آنها سارق هستند شماره پلاک ماشینشان را یادداشت

کردم و بعد از آنجا دور شدم تا به پلیس زنگ بزنم. تماس این دختر شجاع با پلیس موجب شد تا تیمی از مأموران، راهی محل شوند و سر نشینان پراید را دستگیر کنند. در همان تحقیقات اولیه معلوم شد این افراد همان دزدان تحت تعقیبی هستند که پلیس از مدتی قبل به‌دنبالشان بود. اعضای این گروه تفر بودند و سر کردگان آن نیز بارها به اتهام سرقت راهی زندان شده بودند. آنها به سرقت‌های سریالی از خانه‌ها اقرار کردند و بخشی از اموال مسروقه در مخفیگاه‌شان کشف شد. در ادامه دزدان اعتراف کردند که فقط پول، طلا و دلار از خانه‌ها سرقت کردند که با دستور باز پرس پرونده برای انجام تحقیقات بیشتر، شناسایی جرایم احتمالی دیگر و شاکیان تازه در اختیار مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

چند ماه پس از قصاص پسر جوانی در زندان رجایی شهر، پدر او ناگفته‌های پرونده را بازگو می‌کند

پایان دردناک دوئل عشقی در خیابان پیروزی

انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد.

سعید پس از این حادثه به خانه خواهرش پناه برده بود؛ اما ۲ روز بعد وقتی فهمید که دوستش در این

درگیری به قتل رسیده، با پای خودش به پلیس آگاهی رفت و تسلیم شد. طولی نکشید که پسر جوان در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و به قصاص محکوم شد. این رأی در دیوانعالی کشور مهر تأیید خورد و با گذشت حدود ۳سال سعید در زندان رجایی شهر قصاص شد. حالا مدتی از اجرای این حکم گذشته و طرفین این درگیری که هر دو جوان بودند زیر خراور‌ها خاک خوابیده، اما خانواده‌های‌شان هنوز عزادارند و وقتی به جای خالی فرزندان‌شان نگاه می‌کنند، باورشان نمی‌شود که آنها دیگر به خانه برنی‌گردند.

سمعود سناج رضایی، پدر سعید از ساکنان قدیمی یکی از محله‌های خیابان پیروزی است. با گذشت مدتی از اجرای حکم قصاص پسرش، او اما هنوز داغدار است و وقتی اسم سعید می‌آید چشمانش پر از اشک می‌شود. او می‌گوید: خانواده مقتول یکی از دیگر سمنو گفتند پسرم را بخشیده‌اند و او را مجازات نمی‌کنند، اما چند روز بعد از زندان تماس گرفتند که بیاید برای آخرین ملاقات و چند روز بعد هم پسرم قصاص شد. درست است که پسرم مرتکب قتل شده بود، اما او یک جانی نبود و می‌شد از قصصیرش گذشت. این مرد با صدای گرفته‌اش ادامه می‌دهد: سعید ۲۵ساله بود. او حدود ۶سال بود که به دختری علاقه داشت و می‌خواست با او ازدواج کند، اما چون شغل ثابتی نداشت ما مانع شدیم. مدتی گذشت و وقتی او باقشاری کرد گفتم اگر کار ثابتی داشته باشی خودم برایت به خواستگاری می‌روم. این شد

چند ماه پس از قصاص پسر جوانی در زندان رجایی شهر، پدر او ناگفته‌های پرونده را بازگو می‌کند

پایان دردناک دوئل عشقی در خیابان پیروزی

که او در مغازه برادرش مشغول به‌کار شد. بعد از آن بود که به خواستگاری رفتیم و آنها نامزد شدند و از هم رفت‌وآمد می‌کردند.

او ادامه می‌دهد، مقتول هم از چند سال قبل دوست صمیمی پسرم بود؛ طوری که هر عمو صدا می‌کرد. این مرد در ادامه می‌گوید: مدتی گذشت تا اینکه سعید فهمید دوستش هم به آن دختر علاقه دارد. وقتی سعید این موضوع را فهمید با دوستش دچار اختلاف شد. آنها چندین مرتبه با یکدیگر درگیر شدند تا اینکه روز حادثه با یکدیگر قرار دعوا گذاشتند. در همان ابتدا دوستش به‌صورت او اسبری اشک‌آور زد و سعید که چاقو دستش بود اما چشمانش نمی‌دید، صرغیه‌ای به او زد. پسرم فکر می‌کرد این ضربه به‌دست او خورده اما چاقو به قلب دوستش برخورد کرده و باعث مرش شده بود.

پدر سعید می‌گوید: پسرم خودش به پلیس آگاهی رفت و خود را تسلیم کرد. او پشیمان بود و می‌گفت ناخواسته مرتکب قتل شده‌ام. من افراد زیادی را به واسطه قرار اعدام تا اینکه یک مرتبه وعده داده‌ام که پسرم بخشیده می‌شود و قصاص نمی‌شود.

او می‌گوید: ما در حال فراهم‌کردن مبلغ دپه بودیم که چند روز بعد از زندان تماس گرفتند و گفتند که بیاید برای آخرین ملاقات؛ باورمان نمی‌شد. آن شب باز در خانه مقتول رفتیم و هرچقدر که می‌توانستیم التماس کردیم ولی قایده نداشت. حتی جلوی در زندان هم به پای‌شان اتناذیم اما رضی به گذشت نشدند. رفتند داخل زندان و یک ساعت بعد مأمور زندان خبر داد که سعید قصاص شده است. آن روز برابم چه چمنی بود. خبری برای کسی نخواهد. پدر سعید می‌گوید: قبول دارم که پسرم مرتکب



قتل شده بود اما ۲ماه قبل از این حادثه او و مقتول با هم دوست صمیمی بودند و این ماجرا در یک حادثه اتفاق افتاد. پسرم جوان بود و آشنایه کرد. اما نباید بین کسی که هیچ سابقه‌ای ندارد و مرتکب آشنایه شده و فردی که یک سابقه‌دار است و مرتکب جنایت شده فرقی باشد؟ درست است که حق با خانواده مقتول بود که بچه‌شان کشته شده بخشش قشنگ‌تر از قصاص است. پدر سعید ادامه می‌دهد: حکم پسرم اجرا او قصاص شد و حالا روی صحبتم با خانواده مقتولانی است که فرزندشان در یک درگیری و به‌خاطر آشنایه و عصیانیت آنی یک نفر دیگر به قتل رسیده است. قصاص حق شرعی التماس کردیم ولی قایده نداشت. حتی جلوی در زندان هم به پای‌شان اتناذیم اما رضی به گذشت نشدند. رفتند داخل زندان و یک ساعت بعد مأمور زندان خبر داد که سعید قصاص شده است. آن روز برابم چه چمنی بود. خبری برای کسی نخواهد. پدر سعید می‌گوید: قبول دارم که پسرم مرتکب

قتل شده بود اما ۲ماه قبل از این حادثه او و مقتول با هم دوست صمیمی بودند و این ماجرا در یک حادثه اتفاق افتاد. پسرم جوان بود و آشنایه کرد. اما نباید بین کسی که هیچ سابقه‌ای ندارد و مرتکب آشنایه شده و فردی که یک سابقه‌دار است و مرتکب جنایت شده فرقی باشد؟ درست است که حق با خانواده مقتول بود که بچه‌شان کشته شده بخشش قشنگ‌تر از قصاص است. پدر سعید ادامه می‌دهد: حکم پسرم اجرا او قصاص شد و حالا روی صحبتم با خانواده مقتولانی است که فرزندشان در یک درگیری و به‌خاطر آشنایه و عصیانیت آنی یک نفر دیگر به قتل رسیده است. قصاص حق شرعی التماس کردیم ولی قایده نداشت. حتی جلوی در زندان هم به پای‌شان اتناذیم اما رضی به گذشت نشدند. رفتند داخل زندان و یک ساعت بعد مأمور زندان خبر داد که سعید قصاص شده است. آن روز برابم چه چمنی بود. خبری برای کسی نخواهد. پدر سعید می‌گوید: قبول دارم که پسرم مرتکب



ارزش جواهرات سرسرتی حدود ۱۰میلیون دلار است و این شرکت فقط بابت این مبلغ در قبال مالباختگان مسئولیت دارد. حال آنکه جواهرسازان می‌گویند که آنها در هنگام تحویل محموله‌ها به شرکت برینکس، عمدا ارزش جواهرات را پایین اعلام کرده بودند که هزینه بیمه کمتری پرداخت کنند و در حقیقت ارزش جواهرات سرسرت‌شده بالغ بر ۱۰۰میلیون دلار است. در صورت درست‌بودن گفته‌های جواهرسازان، این یکی از بزرگ‌ترین سرقت‌های تاریخ است که تنها به‌دلیل خواب بودن نگهبان صورت گرفته است. آرنولد دوک، رئیس نمایشگاه بین‌المللی جواهرات نیز پس از این سرقت بزرگ گفت: «این یک سرقت کاملاً بزرگ است. ما از طلا، العاس، یاقوت، و مرد و انبوهی از ساعت‌ها و لوکس صحبت می‌کنیم. آنهایی که منظر شده‌اند همه چیزشان را از دست داده‌اند. چون همه آنها را برای حضور در نمایشگاه به اینجا منتقل کرده بودند و حالا قاپ‌تاپا نبوده‌اند.»

هواشنه‌ری

کوه‌ناز از حادثه

زورگیر بزرگ‌راه نیایش در برابر اتهام محاربه

۱۲روز پس از انتشار فیلم جنجالی زورگیری در بزرگ‌راه نیایش که در جریان آن جوانی با تهدید قمه اموال یک راننده زن را سرقت کرده بود، پرونده این زورگیری با صدور کیفرخواست برای متهم به اتهام محاربه به دادگاه فرستاده شد.

به گزارش همشهری، این حادثه صرر زور چهارشنبه ۲۶مردادماه امسال در بزرگ‌راه نیایش اتفاق افتاد. آن زمان بزرگ‌راه زیر بار ترافیک عصرگاهی بود و خودروهای زیادی در ترافیک گرفتار شده بودند. یکی از این خودروها یک پژو ۲۰۶وارنده‌اش دختری جوان بود. در دست در همان لحظات که خودروها توقف کرده بودند ناگهان پسر جوانی که یک قمه در دست داشت سراغ راننده ۲۰۶فت، در ماشین رباب زد و با تهدید توانست موبایل دختر جوان را زورگیری و در ادامه سوار بر موتورسیکلتی که در آن سوی بزرگ‌راه منتظرش بود، قرار کند. این سرقت خشن مقابل چشمان همّت زده سایر رانندگان اتفاق افتاد و چند دقیقه طول کشید. یکی از رانندگان توانست با گوشی موبایلش از لحظه زورگیری فیلمبرداری کند و انتشار این فیلم در شبکه‌های اجتماعی جنجال زیادی به پا کرد. با انتشار این فیلم گروهی از کارآگاهان اداره هجدهم پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند و توانستند سارق را شناسایی کنند. او یکی از اتباع افغانستان و مجرمی سابقه‌دار بود که به تازگی از زندان آزاد شده بود. در این شرایط مأموران توانستند متهم را دستگیر کنند. تحقیق از او نشان می‌داد که وی با همدستش با این شیوه از ده‌ها نفر زورگیری کرده است.

از آن روز تا به حال بررسی ابعاد مختلف این پرونده در دادرسی ادامه داشت تا اینکه روز گذشته دادستان تهران از صدور کیفرخواست برای متهم به اتهام محاربه خبر داد. علی‌صالحی در جلسه شورای عالی قضایی از تشکیل یک قرار گراه ویژه برای مقابله سریع، قاطعانه و قانونی با سارقان مسلح، زورگیرها و افراد شروری که امنیت جامعه را سلب می‌کنند خبر داد و گفت: جلسات این قرارگاه به‌صورت مستمر در دادرسی‌های تهران در حال برگزاری است؛ ضمن آنکه ۲شعبه دادرسی ویژه سرقت‌های مسلحانه را نیز به این امر اختصاص دادیم.

او ادامه داد: با تلاش و زحمات شبانه‌روزی و پس از پیگیری‌های به عمل آمده، قرار محرمیت و کیفرخواست سارق مسلح بزرگ‌راه نیایش با اتهام محاربه صادر و این پرونده روز دوشنبه به دادگاه ارسال شد.

در نهایت لو رفتیم و حالا به‌شدت پشیمانیم.

اعدام برای قتل ۴نفر در شهریار

پسر جوانی که در جنایتی هولناک ۴نفر را در شهریار به قتل رسانده و یک روز بعد در خیابان طالقانی به سوی مأموران پلیس تیراندازی کرده بود با رأی قاضی دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام محاربه و فساد فی الارض به اعدام محکوم شد.

به گزارش همشهری، این پرونده صبح روز جمعه ششم خرداد ماه امسال با قتل ۴نفر در روستای بالابان شهریار با شلیک گلوله گشوده شد. متولان، نگهبان یک سازمان دولتی بودند که در محدوده زمین‌های این سازمان نگهبانی می‌دادند که ناگهان پسری جوان به‌سوی آنها تیراندازی کرد. در این حادثه علاوه بر ۴نفری که به قتل رسیدند ۴نفر دیگر نیز مجروح شدند.

در همان لحظات اولیه تحقیقات در این باره ادامه داشت تا اینکه یک روز بعد جوان مسلح در حالی‌که به تهران برگشته بود در خیابان طالقانی به‌سوی چند نفر از مأموران پلیس تیراندازی کرد. در این حادثه ۴نفر از مأموران مجروح شدند در نهایت مرد مسلح دستگیر شد. متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت اعتراف کرد به دلیل اختلافاتی که پدرش با این سازمان دولتی داشته دست به این جنایت زده است. با تکمیل شدن تحقیقات در این باره، پرونده متهم با صدور کیفرخواست به اتهام محاربه به سه دادگاه انقلاب اسلامی فرستاده شد.

در دادگاه

در جلسه دادگاه که هفته گذشته در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی بر گزار شد نماینده دادستان جزئیات بیشتری از این جنایت هولناک متهم فاش کرد. او گفت: متهم با یک کلت کمری ۴نفر از نگهبانان شرکتی را در شهریار به قتل رسانده و به هر کدام تیر خلاص نیز زده است. او همچنین در خیابان طالقانی به سوی پلیس تیراندازی کرده که از میان ۴مأمور مجروح یکی از آنها پنیایی‌اش را از دست داده است. در ادامه این جلسه، مأموران انتظامی و خانواده مقتولان شکایت‌شان را مطرح کردند و پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، ختم دادرسی اعلام شد.

روز گذشته، درحالی‌که یک هفته از محاکمه می‌گذشت متهم بار دیگر به دادگاه انقلاب منتقل شد تا رأی دادگاه به او ابلاغ شود. هیأت قضایی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب وی را به اتهام محاربه و فساد فی الارض از طریق تیراندازی به سمت افراد و مأموران فراجا، مباشرت در ۴قتره قتل عمدی، شروع به قتل با استفاده از سلاح گرم نسبت به مأموران فراجا و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم در شهر تهران و شهرستان شهریار با استفاده از سلاح گرم به اعدام محکوم کرد.

قاضی صلواتی با اشاره به اتهامات متهم گفت:قاربر صریح و منطبق با واقع این فرد در تمامی مراحل دادرسی، حاکی از این است که وی اقدام به تهیه سلاح و مهمات، استفاده از سلاح کلت کمری، ارتکاب ۴قتره قتل در شهریار، تیراندازی به سمت مأموران فراجا و مجروح کردن حداقل ۴نفر کرده است. با توجه به فرآیند و شواهد موجود در پرونده، اقدامات متهم از مصادیق محاربه است و براساس مواد ۲۸۳، ۲۷۹ و ۲۸۲ و بندالف ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، او به اعدام محکوم شد. به گفته قاضی صلواتی این حکم به‌صورت حضوری به متهم ابلاغ شده و ظرف مدت ۲۰روز قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

